

مراقبت الکترونیکی* و بررسی اجمالی آن براساس آموزه‌های فقه اسلامی

۱۹۳

تت حقوق

مراقبت الکترونیکی و بررسی اجمالی آن بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی

مترجم: حمیدرضا جاویدزاده**

سید حسن میره‌ای***

نقد و بررسی: غلامرضا پیوندی****

چکیده

مراقبت از متهم یا مجرم در محل سکونت از طریق دستگاه‌های الکترونیکی — «مراقبت الکترونیکی» — پدیده نوینی است که در برخی از نظام‌های حقوقی از جمله آنگلو ساکسون متداول شده است.

مقاله حاضر مشتمل بر دو بخش است: بخش اول ترجمه نوشتاری است که به بررسی مراقبت الکترونیکی در حقوق فرانسه به عنوان جای‌گزین زندان یا بازداشت موقت و محاسن و معایب آن می‌پردازد و بخش دوم این پدیده را براساس آموزه‌های اسلام و موازین فقهی مطالعه می‌کند.

* این مقاله ترجمه نوشتاری است با عنوان «Surveillance électronique: la France dans une perspective internationale» که به قلم «آندره کوهن» استاد جرم‌شناسی و حقوق کیفری دانشگاه لوزان و «برتراند مدینه» از مؤسسه تحقیقاتی ماکس پلانک نوشته شده و در سال ۱۹۹۸ در شماره ۴ «نشریه علوم جنایی» چاپ و منتشر شده است.

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

*** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

**** عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نویسنده با اشاره به برخی از ایرادهای احتمالی به این شیوه، عمده‌ترین اشکال آن را که تجاوز به خلوت اشخاص و لزوم تجسس در امور شخصی افراد است نقد و بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: حقوق جزا، مجازات، بازداشت، مراقبت الکترونیکی

مقدمه

مراقبت الکترونیکی برگردان عبارت Electronic monitoring است که با عنوان Surveillance électronique وارد ادبیات زبان فرانسه شده و در نظام حقوقی آنگلوساکسون رایج می‌باشد. این واژه مترادف «دست‌بند الکترونیکی» بوده و مردم فرانسه نیز دوست دارند آن را به همین معنا به کار ببرند. معنای دقیق آن تحت مراقبت الکترونیکی قرار دادن کسی در محل سکونت* (EM) می‌باشد و در واقع، نوعی بازداشت در محل سکونت است که از طریق الکترونیکی بر اجرای آن نظارت می‌شود. در عمل، دست‌بندی شبیه ساعت که دارای فرستنده می‌باشد به میچ دست یا قوزک پای فرد بازداشت شده می‌بندند و به این وسیله، مرکز کنترل آگاهی پیدا می‌کند که آیا شخص تحت مراقبت در ساعاتی که قاضی تعیین کرده در محل مورد نظر هست یا خیر. به این ترتیب، می‌توان پیش‌بینی کرد که در این روش شخص باید همه اوقات خود را در محل سکونت خود بگذراند؛ در طول روز به محل کار خود برود و عصر یا شب به طور مستقیم به محل اقامت خود برگردد. اگر شخص تعهد خویش را نقض کند و در ساعات مشخص شده در محل تعیین شده نباشد، موضوع فوراً به مرکز کنترل اطلاع داده می‌شود تا با حضور در محل، او را دستگیر نماید. اولین مسئله این است که در کدام مرحله از اجرای مجازات و در چه مواردی می‌توان از EM استفاده کرد. پاسخ این است که در تمام مراحل فرایند کیفری می‌توان از EM استفاده کرد. در واقع، می‌توان از EM به عنوان بازداشت موقت استفاده کرد؛ یعنی به جای این‌که متهم تا زمان محاکمه به طور موقت زندانی شود، در محل سکونت خود تحت نظام EM قرار می‌گیرد؛ به عنوان جای‌گزین مجازات سالب آزادی کوتاه مدت، یا به عنوان روش اجرای بخشی از مجازات، یا در طول مرخصی‌هایی که

۱۹۴

فصل حقوق

سال اول / پاییز ۱۳۸۳

*. از این پس به جای این عبارت از علامت اختصاری EM استفاده خواهد شد.

اداره زندان به افراد می‌دهد و یا در پایان مجازات یا در طول مدت آزمایشی آزادی مشروط. بنابراین، EM یک واژه فنی است که ممکن است به مجموعه‌ای از حالات کاملاً متفاوت از یکدیگر اطلاق شود. پس، هرگاه سخن از EM باشد باید دید در چه حالتی و نسبت به چه کسانی اعمال می‌شود، وگرنه بدون تعیین این موارد، واژه EM فاقد هرگونه معنای حقوقی بوده و تنها نشان‌گر مفهوم فنی خواهد بود. باید یادآوری نمود مقام صلاحیت‌دار بدون نیاز به EM، می‌تواند دستور به اقامت فرد در جای مشخص بدهد. در نتیجه با فراخوانی تلفنی و غیر مترقبه، جانشین دست‌بند الکترونیکی شود. به این ترتیب، مراقبت اعم از الکترونیکی و غیره، شامل نظارت گسترده بر اشخاص تحت کنترل قضایی است.

فرانسه نیز مدت‌ها پس از ایالات متحده آمریکا در این راه گام برداشته و مجلس آن کشور قانون ۱۹ دسامبر ۱۹۹۷ را در مورد EM تصویب کرد. این نوشتار در دو بخش ارائه خواهد شد؛ در بخش نخست، EM به عنوان شکل نوین اجرای مجازات‌ها معرفی می‌شود و در بخش دوم، نظامی که فرانسه اتخاذ نموده با رویکردی انتقادی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

مراقبت الکترونیکی (EM)، جای‌گزین زندان

در سال ۱۹۶۴، پژوهش‌گران دانشگاه «هاروارد» در مورد EM پژوهش‌هایی انجام دادند. در آن زمان، هدف از به‌کارگیری EM بازپروری اجتماعی و کاستن از میزان تکرار جرم بود. در سال ۱۹۷۱، به عنوان جای‌گزین نگهداری جوانان بزه‌کار در یک مؤسسه مطرح گردیده و در سال ۱۹۸۴ در فلوریدا و نیومکزیک به کار گرفته شد. اهداف EM به تدریج تغییر نمود؛ در حالی که در آغاز، صرفاً سخن از بازپروری اجتماعی بود اما امروزه آن را به عنوان راه حلی برای کاهش تراکم جمعیت زندان، امکان کاهش هزینه‌های اجرای مجازات‌ها و حتی به عنوان یک مجازات کاملاً جدا و متفاوت از مجازات سالب آزادی و تعلیق لحاظ می‌کنند. در این‌جا، نخست محاسن و معایب EM و سپس مفاد و محتوای قانون فرانسه در این باره بررسی می‌شود.

الف. محاسن و معایب EM

EM در همه کشورهای آمریکایی کاربرد دارد. در سال ۱۹۹۳ حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر در ایالات متحده آمریکا از این نظام استفاده کرده‌اند. EM در استان‌های کلمبی - بریتانیک،

ساسکچوان، تر- نوو و انتاریو کانادا وجود دارد. برخی کشورهای اروپایی نظام EM را در قوانین خود و بیش تر به صورت آزمایشی وارد کرده‌اند.* حقوق دانان آلمان نیز با EM موافق‌اند و در حال حاضر طرح تغییر قانون اجرای مجازات‌ها به منظور اجرای یک طرح آزمایشی در برلین و هامبورگ در مجلس این کشور در دست بررسی است. در سوئیس، کانتون «بال - ویل» در نظر دارد دست‌بند الکترونیکی را برای محکومان به مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت آزمایش کند. وزارت دادگستری بلژیک یک برنامه آزمایشی نه ماهه در زندان «فورست» بروکسل دارد. به طور کلی، پژوهش‌گرانی که در مورد افراد تحت نظام EM مطالعه و بررسی کرده‌اند به نتایج مثبتی رسیده‌اند. به نظر می‌رسد مؤلفه‌های جمعیت زندانی، هزینه دادگستری، تکرار جرم، بازپروری اجتماعی و غیره تحت تأثیر نظام EM قرار گرفته‌اند. در این جا مشکلاتی که باید قبل از پیش بینی EM مورد توجه قرارگیرد، بررسی می‌شود. نخست این‌که: مشکل اساسی ورود EM بیش تر از آن‌که فنی باشد اخلاقی است؛ به طور قطع، اجرای EM بین محکومانی که محل سکونتی در کشور ندارند و محکومانی که در آن جا ساکن‌اند و نیز بین برخی افراد که امکانات اسکان ندارند و کسانی که این مشکل را ندارند آشکارا موجب نابرابری‌هایی می‌شود. در نظام حکومت مردمی که اصولاً همه افراد آن در مقابل قانون برابر هستند باید مسئله سازگاری این روش اجرای مجازات‌ها با اصول اساسی حاکم بر حقوق مطرح گردد. به علاوه، EM به این عنوان تنها می‌تواند ابزار کنترل و خنثی کننده باشد و در واقع، باز پروری و مددکاری اجتماعی، بخش مکمل EM نیست. اگر قانون چنین اهدافی را برای مجازات پیش بینی کرده، باید آن‌ها را برای EM نیز لحاظ نمود. از طرفی، این پرسش مطرح است که در فرضی که EM به عنوان جای‌گزین بازداشت موقت استفاده می‌شود آیا مدت زمانی که تحت نظام EM سپری می‌شود باید از میزان کل مجازات اعلام شده کم شود یا خیر. در انگلستان،** متهمان از نظام EM چندان استقبال نکردند، زیرا برخلاف بازداشت موقت، مدت زمان سپری شده در EM از کل مجازات کم نمی‌شد. باید گفت: در مواردی که EM جای‌گزین برخی بازداشت‌های موقت می‌شود احتمال تبانی، تکرار جرم و فرار، نسبت به بازداشت در زندان بسته خیلی زیاد است؛ بنا بر این، اگر منظور ما از EM جلوگیری از فرار متهم باشد

* مانند انگلستان برای بازداشت موقت و به عنوان مجازات، هلند به عنوان جای‌گزین برخی مجازات‌های سالب آزادی میان مدت و آزادی مشروط، و سوئد برای مجازات‌های سالب آزادی کم‌تر از دو ماه .

** در این کشور EM نخست، جای‌گزین برخی بازداشت‌های موقت شد.

اجرای آن خیلی دشوار است. به طور قطع، در مواردی که EM به عنوان جای‌گزین برخی مجازات‌های سالب آزادی کوتاه مدت به کار می‌رود این پرسش به میان می‌آید که چگونه می‌توان از «گسترش شبکه» جلوگیری کرد*. تراکم زدایی از جمعیت زندان تنها در صورتی مؤثر است که جای‌گزین مجازات زندان، دقیقاً و به طور کامل جانشین مدت حبس شود. ضمن این‌که، خطرگسترش شبکه به اندازه‌ای زیاد است که زود در مورد شیوه اجرای مجازات‌ها در فرایند کیفی تصمیم‌گیری می‌شود. در نتیجه، هرچه در اتخاذ تصمیم در مورد روش اجرای مجازات تأخیر شود به همان اندازه مطمئن می‌شویم که این مجازات واقعاً سالب آزادی و EM جانشین زندان خواهد بود. بنابراین باید مانع از آن شد که یک قاضی شخصی را به EM محکوم نماید و به مقام اجرا کننده مجازات‌ها اجازه دهد که در صورت وجود شرایط خاص، مجازات سالب آزادی را در EM جمع نماید. هنوز تحقیق حاضر پاسخ قاطعی به مسئله بود و نبود «گسترش شبکه» ارائه نداده است. هنگامی که EM در پایان مجازات مورد استفاده قرار می‌گیرد دوباره مسئله «گسترش شبکه» مطرح می‌شود. در نتیجه، باید توجه کرد که EM جای‌گزین آزادی مشروط از قبل موجود نشود بلکه مرحله اجرای مجازات‌ها را به خارج از مؤسسات زندان‌ها گسترش دهد. بنابراین، اگر بخواهیم از جمعیت زندان‌ها کاسته شود حتماً باید این تدبیر محدود کننده آزادی، جای‌گزین مجازات سالب آزادی شود.

اگرچه یکی از اهداف EM صرفه‌جویی در هزینه‌های حبس است، اجرای خود این نظام نیازمند سرمایه‌گذاری کلان مالی است. طرح انگلیس در این مورد به دلیل نبودن منابع مالی به مرحله اجرا در نیامد، در حالی که یکی از اهداف آن صرفه‌جویی اقتصادی بود و این امر متناقضی است. و مهم‌تر از هر چیز این‌که: EM ممکن است بسته به کیفیت مراقبت، حریم خصوصی خانواده افراد تحت نظام EM را نقض کند.** پس از شرح مختصر EM و ذکر برخی مسایل حقوقی، اخلاقی و عملی که در بررسی این موضوع به طور قطع با آن برخورد می‌کنیم، در این‌جا به بررسی ترکیبی این موضوع در حقوق فرانسه می‌پردازیم.

* منظور این است که این اقدام نسبت به اشخاصی اعمال شود که می‌توانستند از یک شیوه مناسب‌تر اجرای مجازات مانند تعلیق و جریمه روزانه برخوردار شوند.

** مثل زمانی که مراقبت از طریق نصب دوربین در محل سکونت محکوم علیه انجام شود.

ب. EM در فرانسه

در سال ۱۹۸۹ «بن مزون»، یکی از نمایندگان مجلس فرانسه، گزارشی در مورد مدرنیزه کردن خدمات عمومی زندان ارائه نمود. در این گزارش، EM برای نخستین بار به طور رسمی مورد استناد قرار گرفت. در آن گزارش، برای تراکم زدایی از جمعیت زندان، EM به عنوان مجازات جای‌گزین در نظر گرفته شد. فکراولیه این موضوع زمانی مطرح شد که به سناتور کابانل مأموریت داده شد در مورد پیش‌گیری از جرم گزارشی ارائه نماید. EM یکی از ۲۰ پیشنهاد این نماینده بود. وی نسبت به ورود EM به عنوان مجازات اصلی یا جای‌گزین بازداشت موقت خویش‌تندار و حتی مخالف، اما نسبت به ورود آن به عنوان روش اجرای حبس‌های کوتاه مدت از پیش اعلام شده یا در پایان مجازات، با این نوآوری موافق بود. بنابراین، پیش‌نویس قانون بازداشت موقت* برای قاضی تحقیق این امکان را پیش‌بینی کرده بود که شخص متهم را با رضایتی که باید نزد وکیل خود اعلام نماید به عنوان جای‌گزین بازداشت موقت تابع نظام EM نماید. به موجب ماده ۳-۱۵۰ پیش‌نویس این قانون، اگر مدت بازداشت موقت بیش از شش ماه باشد، مدت EM باید محدود به یک‌سال باشد. اعتراض‌های سازمان‌های تخصصی قضات و وکلای نسبت به این نوآوری، وزارت دادگستری را وا داشت که آن را از طرح قانونی پس بگیرد. در ژوئن ۱۹۹۶ سناتور کابانل طرح قانونی این موضوع را ارائه داد و مجلس سنا بر اساس تحقیقات کمیسیون قوانین، آن را در اکتبر همان سال تصویب کرد و سپس در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۹۷، به وسیله مجلس نمایندگان اصلاح شد. از زمان تغییر اکثریت نمایندگان مجلس در سال ۱۹۹۷، ترتیبات قانونی به حالت تعلیق درآمد تا این‌که در ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷ در دومین شور مجلس سنا تصویب شد. براساس گزارش سناتور کابانل و طرح قانونی موسوم به همین نام، هدف اولیه EM بازپروری اجتماعی بهتر بزه‌کار برای مبارزه با تکرار جرم بوده و تراکم زدایی از جمعیت زندان و صرفه جویی در هزینه‌ها اهداف ثانوی و جنبی می‌باشند.

به موجب بند (۱) ماده ۷-۷۲۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، در صورت محکومیت متهم به

۱۹۸

فهرست

سال اول / پاییز ۱۳۸۳

* این پیش‌نویس به قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶ منتهی شد.

یک یا چند مجازات سالب آزادی که مجموع آن بیش از یک سال نباشد یا هنگامی که محکوم علیه باید یک یا چند مجازات سالب آزادی را که مجموع آن بیش از یک سال نباشد تحمل کند قاضی اجرای حکم بنا به تشخیص خود یا تقاضای دادستان یا محکوم علیه می‌تواند تصمیم بگیرد که مجازات تحت نظام EM اجرا شود. این تصمیم تنها پس از جلب رضایت محکوم علیه که نزد وکیل او اعلام می‌شود اتخاذ خواهد شد. اگر محکوم علیه وکیل انتخاب نکند رئیس کانون وکلا خود برای او وکیل تعیین می‌کند.

کمیسیون قوانین مجلس سنا حداکثر حبس را که در طرح قانونی ۳ ماه تعیین شده بود به یک سال افزایش داد. به این ترتیب، هنگامی که باقی‌مانده مجازاتی که باید تحمل شود کم‌تر از یک سال باشد ممکن است به طور کامل تحت نظام EM سپری شود. اگر مجازات بیش از یک سال باشد محکوم علیه باید مجازات تعیین شده را تحمل کند تا باقی‌مانده آن به یک سال برسد. اما بند ۲ ماده ۷-۷۲۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری تصریح نموده که ممکن است EM حداکثر به مدت یک سال به عنوان آزادی مشروط به کار گرفته شود. بنابراین، ممکن است دو تفسیر در مورد این متن قانونی ارائه شود: در تفسیر اول، EM تنها در صورتی که باقی‌مانده مجازات کم‌تر از یک سال باشد ممکن است. در تفسیر دوم، مجازات حبس باید تا نصف اجرا شود. در این صورت قاضی اجرای حکم بین ابقای حکم بازداشت، آزادی مشروط یا EM که مدت آن نباید از یک سال تجاوز کند یکی را انتخاب می‌نماید. قاضی اجرای حکم می‌تواند مکان‌هایی که محکوم علیه به آنجا رفت و آمد می‌کند و نیز اوقاتی را که باید در محل سکونت یا محل کار یا محل آموزش حرفه‌ای بماند تعیین نماید. قاضی اجرای حکم علاوه بر الزام او به عدم ترک محل سکونت، می‌تواند تعهدات تکمیلی را از بین فهرست مربوط به تعلیق آزمایشی انتخاب و بر او تحمیل نماید؛ مانند تعهد به مراقبت‌های بهداشتی یا جبران خسارت دیده از قربانی جرم* . اگر در طول مدت مجازات اتفاق خاصی نیفتد فرض بر این است که مجازات به طور کامل اجرا شده است. برعکس، اگر محکوم علیه به تعهدات خود عمل ننماید، مانند این‌که در محل کار یا محل آموزش حرفه‌ای حاضر نشود یا در ساعاتی که تعیین شده در محل سکونت خود نباشد قاضی اجرای حکم

* این بند را کمیسیون قوانین مجلس سنا اضافه کرده است.

می تواند بین تغییر ساعت‌ها یا تعهدها یا ابطال EM یکی را انتخاب نماید. هرگونه تغییر در شرایط EM نیازمند رضایت محکوم علیه است. در صورت عدم رضایت او قاضی می تواند EM را ملغی کند و در صورت الغا، محکوم علیه ملزم به تحمل باقی مانده مجازات است. درحالی که مجلس سنا امکان اعتراض و تجدیدنظر نسبت به تصمیم ابطال توسط قاضی اجرای حکم در دادگاه جنحه و بدون حضور وکیل را پیشنهاد داده بود، مجلس نمایندگان، دادرسی حضوری در برابر قاضی اجرای حکم با حضور محکوم علیه و وکیل در شعبه شورا و نیز تقاضای تجدید نظر در دادگاه تجدیدنظر جنحه را پیش‌بینی نمود. این یک پیشرفت واقعی در راستای قضایی کردن تصمیمات قاضی اجرای حکم است و تصمیم در EM از فهرست اقدامات اداره قضایی که در ماده ۱-۷۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده، کنار گذاشته شده است. برعکس، این نگرانی وجود دارد که محکومی که از استفاده از EM محروم شده نتواند در مقابل دادگاه به این تصمیم اعتراض نماید و حتی این امکان برای دادستان عمومی نیز وجود نداشته باشد.* این نقص مانع از این است که در موضوع اجرای حکم که اکنون به شدت خلأ آن در فرانسه احساس می شود رویه قضایی ایجاد نماید.

ضمن این که، برخلاف آنچه از عبارت طرح قانونی برمی آید، اشخاص حقوقی نمی توانند مسئول مراقبت از راه دور محکومان باشند. در واقع مجلس سنا با تصریح به این امر که اجرای EM ممکن است تنها توسط کارکنان اداره زندان انجام شود این امکان را به صراحت کنار گذاشته است.

در بخش دوم مقاله این مسئله که آیا راه حل پیشنهادی فرانسه درباره EM تنها راه حل ممکن یا بهترین راه حل برای کشور فرانسه است، مورد بررسی قرار می گیرد.

بخش دوم: آیا EM جانشین زندان است؟

در قانون فرانسه، شرط اساسی برای استفاده از EM میزان حبسی است که دادگاه اعلام می نماید و مجلس سنا این مدت را یک سال تعیین نموده است.* یکی از دلایلی که EM برای مدت محدود پیش بینی شده، این است که نظام EM بی شک فشارهای روانی

* منظور اصل تساوی سلاح است که از رویه قضایی اروپا ناشی شده است.

** در برخی کشورها مانند سوئد و هلند این مدت به ترتیب شش ماه و دو ماه است.

در پی دارد. کنترل اجتماعی نسبت به حریم خصوصی افراد هرچند نسبت به حبس ملایم‌تر است اما همراه با اضطراب است؛ در نتیجه، محکوم را بیش‌تر وسوسه می‌کند تا در چارچوب معین مرتکب جرم شود. هرچه مدت EM طولانی باشد این خطر نیز بیش‌تر می‌شود. بنابراین، مقدار حداکثر یک سال برای EM مجازات مناسبی است. اگر چه به دلیل وضعیت‌های متفاوت می‌توان مدت‌های متفاوت پیش‌بینی کرد. در واقع، هدف اولیه از EM این است که از زندانی شدن افراد اجتناب شود و در مرحله اجرا مانند زندان نیمه باز یا کار درخارج از زندان به عنوان جای‌گزین حبس‌های کوتاه مدت تلقی شود، درحالی که در EM در پایان مجازات، ابتدا محکوم زندانی می‌شود و EM مدت بازداشت را با هدف بازپروری زودتر کوتاه می‌کند. از آن‌جا که شرایط روحی - روانی اشخاص متفاوت است این مقدار برای محکومان در پایان مجازات طولانی‌تر است. بنابراین تفکیک میان دو قلمرو اجرای EM مهم است.

الف. EM در آغاز مجازات

یکی از مسایل اساسی این است که EM برای چه جرایمی و در مورد چه اشخاصی می‌تواند جای‌گزین مجازات حبس کوتاه مدت در زندان بسته شود. تجربیاتی که تاکنون به دست آمده، نشان‌گر این است که کشورها اولویت اول را برای محکومان جرایم راهنمایی و رانندگی و سپس به ترتیب برای سرقت‌ها، خشونت‌ها و جرایم مواد مخدر در نظر گرفته‌اند. در آلمان، برای جرایم راهنمایی و رانندگی مجازات زندان بسته پیش‌بینی نشده است بلکه از جزای نقدی استفاده شده است و در مورد استفاده از مجازات‌های سالب آزادی کم‌تر از شش ماه، محدودیت‌های قانونی وجود دارد؛ به گونه‌ای که حقوق‌دانان با تردید جمع این الگوها را در نظر می‌گیرند.

اما در فرانسه براساس ساجل کیفری، رانندگی در حالت مستی منجر به محکومیت بیش از هزار زندان بسته شده است. آمار اداره زندان نیز به نوبه خود بیش از ۴۰۰۰ مورد را در سال ۱۹۹۳ برای جرم رانندگی در حالت مستی ثبت کرده است. آقای سناتور کانابل، EM را اساساً برای محکومین و مصرف‌کنندگان مواد مخدر به عنوان یک مجازات جای‌گزین در نظر دارد؛ یعنی مجازاتی که دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند.

در فرانسه بازداشت‌هایی وجود دارد که EM می‌تواند جای‌گزین آن شود. اما، مسئله

اساسی این است که آیا EM عملاً می‌تواند جای‌گزین مجازات حبس کوتاه مدت در زندان بسته شود و یا این تدبیر تنها در مورد مجازات‌هایی که سالب آزادی نباشند اعمال خواهد شد. اگر قاضی اجرای حکم پس از محکومیت متهم، نسبت به EM تصمیم‌گیری کند، عملاً برای اجتناب از پدیده گسترش شبکه EM کافی نیست. دادگاه‌های جنحه ممکن است بر رژیم اجرا پیش‌دستی نموده و به این ترتیب، متهمانی را که می‌توانند از تعلیق ساده تا خدمات عمومی (TIG) بهره‌مند شوند، به زندان بسته محکوم نمایند. اما EM به ویژه در برخی موارد، به جای جای‌گزین‌های موجود* می‌نشیند. خطر یاد شده از نظر برخی حقوق‌دانان در عرصه تئوری مطرح نیست. ضمن این‌که برخی تجربیات به دست آمده در کشورهای آمریکایی تأیید می‌کند که EM جای‌گزین جای‌گزین‌های موجود زندان می‌شود. در مرحله اجرا شرط اول آن است که محکوم‌علیه، محل سکونت، تلفن و حتی شغلی داشته باشد. سناتور کانابل در گزارش خود برای کاهش اثر نابرابری اجتماعی ناشی از این شرایط، اسکان و آموزش حرفه‌ای از طریق نهادهای مددکاری اجتماعی را برای محکومان فاقد محل سکونت و شغل، در نظر گرفته است و به نظر می‌رسد این امر تنها با مددکاری اجتماعی و الزامات «تعلیق توأم با آزمایش» امکان‌پذیر است که کمیسیون مجلس سنا آن را به طرح قانونی اضافه کرده است. اما نبود امکانات و منابع مالی، مانع اصلی برای توسعه تدابیر موجود در محیط باز است. به این ترتیب، EM تنها برای کسانی فایده دارد که قبلاً در جامعه صاحب شغل و حرفه بوده‌اند. ضمن این‌که این مسئله را نباید نادیده گرفت که EM عملاً و حتی در زمان اجرای مجازات، از تکرار جرم جلوگیری نمی‌کند. افزون بر آن، هرچه EM با دقت بیشتری اجرا شود به همان اندازه خطر نقض آن از جانب فرد در اثر برخی کوتاهی‌ها مانند تأخیر در ورود به محل کار افزایش یافته و در نتیجه، احتمال برگشت به زندان بیش‌تر می‌شود. بنابراین اگر EM در آغاز مجازات و به عنوان جای‌گزین مجازات‌های کوتاه مدت به کار گرفته شود این مسئله مطرح می‌شود که آیا بهتر نیست امکانات و منابع انسانی و مادی برای گسترش

* که عبارت‌اند از: زندان نیمه باز، کار در خارج زندان و انجام خدمات عمومی که مورد قبول قاضی اجرای حکم باشد.

مجازات‌های جای‌گزین* و جای‌گزین‌هایی که از قبل در قانون موجود بوده است** افزایش یابد. به طور قطع جایگاه EM در قانون جزای فرانسه در آغاز مجازات می‌باشد، اما به نظر می‌رسد به دلیل زیان‌های این نهاد حقوقی، با آن مخالف است. از آن‌جا که تعقیب محکومان از طریق EM نسبت به تعقیب آنان توسط مربیان و کارگزاران «تعلیق سستی» غیرانسانی‌تر است و با توجه به گسترش شبکه EM و خطر نابرابری‌های اجتماعی، مبارزه با تکرار جرم از راه تقویت نظام موجود که بسیار پر هزینه و پرخطر می‌باشد بیش‌تر است. آقای سناتور کانابل پیشنهاد نموده که اثر گسترش شبکه EM در یک چارچوب مشخص و دقیق تعریف شود، اما با این حال به ضرر مجازات‌های جای‌گزین زندان بوده و در عمل، موجب نابرابری‌های رفتاری می‌شود. به همین دلیل، احتمال کم‌تری وجود دارد که EM در آغاز مجازات بتواند به وعده‌های خود جامه عمل بپوشاند.

۲۰۳
تهدیه حقوق

ب. EM پس از مجازات

ادبیات جرم‌شناسی به روشنی نشان می‌دهد که اثر مجازات‌های طولانی مدت بر جمعیت زندان نسبت به مجازات‌های کوتاه مدت خیلی بیش‌تر است؛ پس ممکن است چنین تصور شود که استفاده از EM در طول مدت حبس و آزادی مشروط مؤثرتر است. در فرانسه، اصولاً هنگامی با آزادی مشروط موافقت می‌شود که نصف مجازات اجرا شده باشد و پس از آن ممکن است EM گسترش و ادامه پیدا کند. بنابراین، محکومان می‌توانند ضمن این که تحت کنترل و مراقبت مقامات قضایی هستند، زودتر از زندان آزاد شوند. این نظام مراحل واسطه‌ای زیادی دارد و به همین خاطر، روند کندی به سوی آزادی کامل دارد. برخی کشورها، آزادی مشروط را گسترش داده‌اند، در حالی که کشورهای دیگر، با این عقیده که مجازات اعلام شده عادلانه و متناسب بوده و باید به طور کامل اجرا شود، آن را به طور کامل کنار گذاشته‌اند.

به نظر می‌رسد نباید آزادی مشروط را کنار گذاشت، زیرا به طور قطع کاربرد محرومیت از آزادی را صرفاً به موارد ضروری محدود کرده و به نوعی، نظام کیفری را تا

* منظور تعلیق ساده یا با آزمایش، جریمه روزانه و انجام خدمات عمومی است.

** منظور زندان نیمه باز و کار در خارج از زندان است.

اندازه‌ای انسانی‌تر می‌کند. در واقع، امروزه آزادی مشروط یکی از راه‌هایی است که می‌تواند مدت مؤثر مجازات‌هایی را که باید تحمل شود کوتاه کرده و به این وسیله، وضعیت برخی زندانیان را به طور چشم‌گیر بهبود بخشد. حفظ آن خیلی مهم است، زیرا هنوز جامعه ما آن جامعه‌ای نیست که در آن سلب آزادی به عنوان روش مجازات ترک شده و از زندان تنها به عنوان آخرین راه چاره استفاده شود. به علاوه، به نظر می‌رسد گسترش آزادی مشروط همراه با EM در مقایسه با گسترش آزادی بدون EM بیش‌تر قابل عرضه و ارایه برای مردم است. افزون بر آن، شاید همراه شدن مرحله اول آزادی مشروط با EM احتمالی باعث شود که برخی قضات از حکم به آزادی مشروط در اعلام مجازات خوداری کنند. قانون فرانسه پیش‌بینی کرده که EM ممکن است در پایان مجازات و حداکثر به مدت یک سال به ویژه به عنوان آزمایش آزادی مشروط اعلام و توافق شود. اما همان‌گونه که گفته شد، در مورد زمان دقیق مداخله EM ابهام وجود دارد. با این فرض که EM پیش از آزادی مشروط اعمال گردد و با توجه به این مسئله که خود آزادی مشروط پس از سپری شدن نیمی از مجازات اعمال می‌شود این پرسش مطرح می‌شود که آیا EM می‌تواند در حالی که باقی‌مانده مجازات بیش از یک سال است مداخله نماید.

معلوم نیست که قصد قانون‌گذار این بوده که هنگامی که باقی‌مانده مجازات بیش از یک سال است EM در پایان مجازات آغاز شود. کمیسیون قوانین مجلس سنا برحسب میزان مجازات، احتمالات مختلفی را در نظر گرفته است؛ به این ترتیب که اگر مجازات اعلام شده کم‌تر از یک سال باشد ممکن است EM به طور کامل اجرا یا پس از شش ماه، آزادی مشروط بدون EM جانشین آن شود. اگر میزان مجازات بیش از دو سال باشد یک سال آن باید حتماً در حبس سپری شود و EM تنها در سال آخر حبس می‌تواند مداخله نماید. اما معلوم نیست در فرض اخیر، EM چه سودی دارد. در واقع، آزادی مشروط ممکن است به طور کلی برای نصف مجازات علاوه بر EM احتمالی اعمال شود. بنابراین، آزادی مشروط تنها چند ماه مانده به پایان مجازات می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اگر EM به یک سال مانده به پایان مجازات محدود شود و نه به سال قبل از آزادی مشروط، قاضی اجرای حکم به هیچ وجه نمی‌تواند خروج از زندان را به تدریج و

خیلی جلوتر از پایان مجازات در نظر بگیرد تا این تدبیر، نفع واقعی، یعنی صرفه‌جویی در مدت حبس، داشته باشد. اگر تنها به اقدامات اولیه مجلس مراجعه شود، با توجه به اطلاعات روشن و گویا در این مورد، آزادی مشروط در بیش‌تر موارد عملاً قبل از آن‌که باقی‌مانده مجازات به یک سال برسد مداخله می‌کند، به صورتی که عملاً جایی برای EM نخواهد ماند. به طور قطع، EM آزادی مشروط را تنها به سال منتهی به آزادی محدود کرده است. در این فرض، چون EM حتماً به زمان آزادی محکوم تجاوز می‌کند، بنابراین در مورد مطابق بودن این قانون با قانون اساسی تردید پیش می‌آید. اما به عنوان آخرین راه چاره و در صورت نیاز، دادگاه‌ها و به ویژه قضاات اجرای احکام می‌توانند قانون را تفسیر کنند. بنابراین، باید به متن ماده ۷-۷۲۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری و به ویژه بند (۲) آن رجوع کرد. به موجب این بند، قاضی می‌تواند بر اساس کیفیات پیش‌بینی شده در بند قبلی، دستور دهد EM حداکثر به مدت یک سال به عنوان آزمایش آزادی مشروط اعمال شود. این بند به روش و کیفیات احکام EM که در بند اول پیش‌بینی شده، اشاره می‌کند* و نه به شرایط EM، به ویژه شرایط مربوط به باقی‌مانده مجازاتی که باید تحمل کرد. طرح اولیه قانون، بدون هیچ ارجاعی به آزادی مشروط، EM را تنها برای موردی پیش‌بینی کرده بود که باقی‌مانده مجازات کم‌تر از سه ماه باشد و بند ۲ بعداً اضافه شد. به این ترتیب، قانون در بند اول، EM در جریان آزادی مشروط و در بند دوم، EM به عنوان آزمایش آزادی مشروط را از همدیگر تفکیک نموده است. در بند دوم، مدت EM صرف نظر از تاریخ پایان مجازات، محدود به یک سال است. در نتیجه، حتی اگر راه حل مطلوب این باشد که EM یک سال پیش از تاریخی که آزادی مشروط از نظر قانونی آغاز می‌شود پیش‌بینی گردد، در این صورت، قضاات اجرای احکام در عمل منتظر خواهند شد که محکومان آزاد شوند و پس از آن با رضایت محکوم علیه مدتی را برای EM در نظر بگیرند. در پایان این مدت قاضی می‌تواند طبق ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، چنان‌چه محکومان از خود حسن رفتار نشان داده و تضمین کافی برای سازگاری اجتماعی ارایه نمایند با آزادی مشروط آنان موافقت و در غیر این صورت،** مخالفت

۲۰۵

تجدید حقوق

مرکز تحقیقات حقوقی و بررسی‌های اجتماعی از بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی

* منظور از تقاضا، تصمیم در مورد EM و نیز رضایت محکوم علیه است.

** یعنی از خود حسن رفتار نشان نداده و تضمینی کافی برای سازگاری اجتماعی ارایه ننمایند.

نماید. از طرف دیگر، این دو مرحله می‌تواند در طرح اجرای مجازات که در فرانسه مرحله آزمایشی آن را طی می‌کند وارد شود. مهم این است که قاضی اجرای حکم خیلی زودتر از پایان مجازات با EM موافقت نماید، چون بر خلاف رویه کنونی آزادی مشروط، هدف از این تدبیر جای‌گزین شدن با مدت حبس است. آمارهایی که اداره زندان گردآوری کرده ویژگی‌های با ارزشی در مورد جای‌گزین‌های زندان در محیط باز و آزادی مشروط ارائه می‌دهد اما با این آمارها نمی‌توان تأثیر EM را در قالب کاهش مدت حبس ارزیابی نمود. تجربیات آمریکا و کشورهای اروپایی همسایه فرانسه، نشان می‌دهد کارایی این تدبیر ممکن است کاملاً مغایر و ناهماهنگ باشد. ضمن این‌که ضوابط و معیارهای ارزیابی نیز باید به طور دقیق تعریف شود: آیا میزان شکست EM تنها به موارد نقض آن در طول مدت اجرا مربوط است یا به خاطر موارد تکرار جرم با وجود EM می‌باشد؟ و در صورت لزوم، آیا این دو باید با میزان تکرار جرم محکومانی که حبس شده یا محکومانی که از دیگر مجازات‌های جای‌گزین زندان استفاده کرده‌اند مقایسه شود؟ بنابراین، اگر سناتور کانابل در گزارش خود ارزیابی کاملاً مثبت از نمونه‌های سوئد و آمریکا ارائه داده، به خاطر فقدان اطلاعات مربوط به آمار تکرار جرم پس از اجرای مجازات می‌باشد. وی در گزارش خود در مورد صرفه جویی در هزینه‌ها تصریح نموده که ارقام ارائه شده، ارزیابی‌هایی است که به دلیل مداخله عوامل دیگر باید با احتیاط مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، باید توجه کرد که این طرح در برخی کشورها به ویژه به دلایل مالی با شکست روبه‌رو گردیده و کنار گذاشته شده است. در حالی که معلوم است ارزیابی‌های اولیه بر افزایش سرمایه‌گذاری اولیه و توزیع هزینه‌ها بر یک نمونه آزمایشی کاهش یافته مبتنی است، بحث مربوط به هزینه‌های EM نیازمند شفافیت بیش‌تری می‌باشد؛ در سال ۱۹۹۵ گزارش کانابل هزینه یک روز استفاده کننده از EM را ۸۰ تا ۱۰۰ فرانک، مطبوعات ۲۰۰ فرانک، فرد زندانی ۵۰۰ فرانک و اداره زندان ۲۶۸/۸۸ فرانک برآورد کرده است. در نتیجه و همان‌گونه که کانابل پیشنهاد کرده، باید یک دوره آزمایشی پیش‌بینی شود تا در پایان آن، بتوان با ابزارهای دقیق کارایی EM را ارزیابی و در مورد تعمیم، ترک یا تغییر آن تصمیم‌گیری کرد. برعکس، مقنن خطر شکست این تدبیر را در نظر دارد که ویژگی آن کنترل اجتماعی شدید

محکومان، زوال مجازات‌های جای‌گزین و جای‌گزین‌های سستی زندان، حتی سخت‌گیری زیاد دادگاه‌ها با پیش دستی در نظام مجازات، وجود تراکم جمعیت زندان و نامناسب بودن زندان‌ها، شکست در طرح بازپروری بزه‌کاران، تکرار جرم و افزایش هزینه‌ها، می‌باشد.

مراقبت الکترونیکی و آموزه‌های فقه اسلام

مراقبت الکترونیکی نظامی است که می‌تواند در بخش‌های مختلف فرایند تعقیب و مجازات مورد استفاده قرار گیرد. برای این‌که این نظام، در نظام حقوقی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد باید ابهامات آن در زمینه مسایل و مشکلات اجرایی، مباحث مبنایی پذیرفته شده در فقه اسلامی، مباحث حقوقی و نیز تعارض آن با اصول و قواعد اساسی حقوقی جزا، برطرف گردد.

۲۰۷
فقه حقوق

از نظر مبنایی، آیا نظام مراقبت الکترونیکی با مبانی اخلاقی و شرعی فقه اسلام سازگاری دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، با توجه به این‌که دست‌کم در برخی موارد، استفاده از مراقبت الکترونیکی، ورود در خلوت اشخاص بوده و در برخی موارد و مصادیق آن (مانند نصب دوربین در محل اقامت متهم یا محکوم) تعرض به زندگی خصوصی اطرافیان متهم یا محکوم می‌باشد، آیا این مسئله با آموزه‌های اسلام مانند حرمت تجسس در زندگی خصوصی و فردی افراد حتی برای قاضی، سازگاری دارد؟

مسئله دیگر این‌که: آیا می‌توان به عنوان جای‌گزین بازداشت موقت، از این نظام استفاده کرد و تمام اهداف آن را محقق نمود؟ آیا از لحاظ حقوقی، اهداف بازداشت، مثل جلوگیری از فرار، تبانی و توطئه، جلوگیری از معدوم نمودن آلات و ادوات جرم و ... با استفاده از نظام مزبور تأمین می‌گردد؟

آیا با توجه به این‌که در اسلام برخی از مجازات‌ها حدی هستند و تغییر مجازات‌های حدی جایز نیست، مراقبت الکترونیکی می‌تواند به عنوان جای‌گزین مجازات حبس مورد استفاده قرار گیرد؟ همچنین، آیا اهداف حبس مانند بازپروری اجتماعی مجرم، جلوگیری از ارتکاب جرم و ... تأمین می‌گردد؟

مطلب دیگر این‌که: از آن‌جا که در نظام حقوقی اسلام مجازات‌ها به حدود، قصاص و تعزیرات تقسیم می‌گردد و در مجازات‌های تعزیری حاکم اسلامی می‌تواند موارد

دیگری را به جز شلاق نیز به عنوان تعزیر پیش‌بینی کند،* آیا مراقبت الکترونیکی را می‌توان به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری پیش‌بینی کرد؟ یا این‌که آن را به عنوان یکی از مصادیق مجازات‌های بازدارنده (در صورتی که مجازات‌های تعزیری و بازدارنده متفاوت باشند)** در نظر گرفت؟

موضوع دیگری که باید ابهام آن برطرف گردد این است که: آیا استفاده از مراقبت الکترونیکی با اصول و قواعد اساسی حقوق جزا، مثل اصل شخصی بودن و ... تعارض ندارد؟ از نظر اجرایی نیز این مسئله جای بحث و بررسی دارد. برای مثال، طرفداران نظام مراقبت الکترونیکی یکی از مزیت‌های آن را کاهش هزینه‌های زندانیان برشمرده‌اند، در حالی که به نظر برخی، اجرای این نظام خود مستلزم صرف هزینه‌های بسیار زیاد می‌باشد.

در این‌جا فقط به یکی از ایرادات مبنایی مراقبت الکترونیکی که همان ورود به حریم خصوصی فرد تحت تعقیب و مجازات و اطرافیان وی می‌باشد می‌پردازیم.

این مسئله از دو جنبه حکم اولی و ثانوی جای بحث و بررسی دارد:

الف. حرمت جست‌وجو در زندگی خصوصی افراد جامعه و نهاد «مراقبت الکترونیکی»

تعقیب متهم و مجازات مجرمان یکی از ضروریات هر جامعه‌ای است، با این وجود، حفظ کرامت انسانی و رعایت جنبه‌های شرعی و اخلاقی در تعقیب و کیفر دادن بزه‌کاران امری مهم و مورد تأکید اسلام است.

در احکام اسلامی، تفحص و تجسس در زندگی شخصی و خصوصی افراد یکی از گناهان بزرگ معرفی شده و قرآن به طور صریح از آن نهی کرده است:

«یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثمٌ ولا تجسسوا و...»؛

(حجرات (۴۹): ۱۲).

* در فقه دو نظریه در مورد تعزیر مطرح است؛ برخی معتقدند تعزیر شرعی مختص به شلاق است و برخی می‌گویند مصادیق تعزیر می‌تواند غیر از شلاق باشد، مانند حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب و ...؛ قانون مجازات اسلامی نظریه دوم را پذیرفته است. (ر.ک: صافی گلپایگانی، التعزیر احکامه و حدوده).

** جمعی از نویسندگان، مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ج ۳، ص ۲۹۱ به بعد.

در روایات اسلامی نیز مسئله اذاعه سرّ مؤمن غیر جایز شمرده شده است.*

حضرت امام در فرمان هشت ماده‌ای خود خطاب به ارگان‌های دولتی و به خصوص دستگاه‌های قضایی، در مورد حقوق مردم و قوانین، به این مسئله مهم تصریح کرده و می‌فرماید: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخص بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد»؛ (امام خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۱۴۰).

البته ایشان در بند هفتم پیام خود تصریح می‌کند که موارد ذکر شده در ماده ۶ در مورد گروهک‌های مخالف اسلام و نظام که در خانه‌های تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه اقدام به تهیه نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الارض می‌کنند، جاری نمی‌گردد.

در فقه اسلام به این مسئله اشاره شده است که اگر شهود به عملی شهادت دهند که آن را از روی کنجکاو و با تجسس مشاهده نموده‌اند، شهادت آن‌ها پذیرفته نیست، چون این عمل حرام بوده و آن‌ها را از عدالت ساقط کرده است. یکی از فقهای معاصر در پاسخ به سؤالی در این زمینه می‌فرماید:

«اگر با تفحص محرم باشد و آن هم ثابت شود، سبب سقوط شهود از عدالت می‌شود و شهادتشان مقبول نیست»؛ (گنجینه استفتانات، سؤال ۵۸۶۵، بندج).

در نتیجه، در صورتی که «مراقبت الکترونیکی» باعث کشف اسرار و تجسس در امور شخصی افراد گردد، جایز نیست و نمی‌توان از آن استفاده کرد، زیرا تجسس و افشای سر حرام است و

* حر عاملی، وسائل الشیعة، انتشارات آل البیت، ج ۱۲، ص ۲۹۴ به بعد (باب ۱۵۷ از ابواب العشرة فی السفر و الحضر) برای نمونه به حدیث زیر اشاره می‌شود: «قال ابو عبدالله (ع): قال رسول الله (ص): من اذاع الفاحشة كان كميئتها...» (حدیث ۶، باب ۱۵۷).

قاضی حق ندارد برای مجرم چنین مراقبتی را پیش‌بینی کند.

ب. احکام ثانوی در فقه اسلام و مراقبت الکترونیکی

در حرمت تجسس و افشای اسرار زندگی خصوصی و اعمال فردی افراد جامعه به عنوان حکم اولی تردیدی وجود ندارد و اگر مراقبت الکترونیکی در عمل باعث چنین عمل حرامی گردد، شکی در عدم جواز آن نیست. اما ممکن است در بعضی موارد به عنوان حکم ثانوی عمل جایزی باشد، و آن در صورتی است که مصلحت، چنین چیزی را اقتضا نماید، که در این صورت در محدوده و مصلحت، تجسس و آگاهی از امور سری و خلوت افراد، برای حاکم مجاز است

در هر حال، مسئله مورد بحث نیاز به تحقیق و بررسی گسترده‌تری دارد که در این‌جا مجال آن

نیست.

۲۱۰

فهرست